

ترازوی قیامت

زندگی سراسر شادی یا آتشی سوزان

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره های کوچک قرآن کریم، بخش دوم سوره مبارک قارعه را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَبُهِتَ فِي عِيشِهِ رَاثِيَهُ، وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَأُمَّهَ هَاطِيَهُ، وَمَا أَذْرَاكَ مَاهِيَهُ، نَارَ حَامِيَهُ، هَرَكَةَ كَفِّهِ هَايَ|عَمَلْ خَيْرِشْ دُرّاً تَرَاوِشْ سَنَكِينْ باشد، پس اودر زندگی رضایت بخشی است، ولی هرکفه کفه های|کار خیرش در|تراویش سبک باشد، پس در آغوش آتشی است و تو چه دانی آن چیست؟ آتشی سوزان.»

در بخش اول این سوره، خداوند متعال از حادثه ای کوبنده و سخت، سخن گفته بود و بیان شد که روز قیامت و ثواب و عقاب اعمال انسان، بسیار فراتر از تصور اوست. حال در بخش دوم، صحبت از سنگینی و سبکی کفه های ترازوی اعمال و رفتار انسان هاست و بیان می‌شود که ثواب و عذاب در آن روز سخت، براساس کفه های این ترازو به انسان ها تعلق می‌گیرد.

در اینجا از کلمه ترازو به صورت جمع استفاده شده است که نشان می‌دهد اعمال انسان از جهات مختلف مثل کیفیت عمل و تعداد کارهای خوب و بد با چندین میزان بررسی می‌شود.

زندگی سراسر شادی و رضایت که مخصوص قیامت است، نصیب کسی می‌شود که اعمال نیک او زیاد است و دیگر مثل دنیا دغدغه بیماری، حسادت، از دست دادن و گذرآ بودن را ندارد، اما کسی که کفه ترازوی او سبک باشد، برای پناه گرفتن جایی به جز دوزخ نمی‌یابد و با سر در آتش افکنده می‌شود، آن هم آتشی که هنوز از درک ما انسان ها خارج است و فقط اندکی با سوزندگی آن آشنا هستیم.

حکمت

چرا دیگر هیچ حرفی روی دلمان نمی‌نشیند؟

علیرضا وکیلی|گاهی از خودمان می‌پرسیم چرا نصیحت ها دیگر اثر گذشته را ندارد؟ چرا کتاب می‌خوانیم، سخنرانی گوش می‌دهیم، آیه و روایت می‌شنویم، اما تغییری در رفتارمان ایجاد نمی‌شود؟ شاید مشکل از کمبود حرف های خوب نباشد، مشکل این است که دلمان، آرام آرام قدرت شنیدن را از دست داده است.

حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در نامه ۳۱، خطاب به فرزندشان می‌فرماید: «وَأَعْنِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ، دَلْتَ را با اندرز، زنده نگه دار!»

امام^(ع) از تعبیر «زنده کردن دل» استفاده می‌کنند، یعنی ممکن است قلب انسان بتپد، اما از نظر معنوی و اخلاقی، بی حس شده باشد. دل زنده با شنیدن یک حقیقت تکان می‌خورد، از اشتباه خود ناراحت می‌شود، از خوبی‌ها لذت می‌برد و آماده تغییر است. اما دل مرده، حتی اگر بهترین سخنان را هم بشنود، واکنشی نشان نمی‌دهد.

امروز ما بیش از هر زمان دیگری در معرض محتوا هستیم. هر روز ده ها پیام، کلیپ، سخنرانی و جمله انگیزشی می‌بینیم، اما چون فرصت تأمل نداریم، بسیاری از آن ها فقط از مقابل چشمانمان عبور می‌کنند و به دل نمی‌رسند، مثل زمینی که باران روی آن می‌بارد، اما چون سخت و فشرده شده است، آب را در خود نگه نمی‌دارد.

قرآن کریم نیز به همین حقیقت اشاره می‌کند، «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى، پس [مردم را] اندرز ده، اگر اندرز سودمند افتد.»(اعلیٰ ۹۷)، تذکر و اندرز، زمانی اثر می‌کند که دل، آمادگی پذیرش داشته باشد.

موعظه در نگاه امام علی^(ع)، فقط شنیدن سخنرانی نیست؛ گاهی یک تجربه تلخ، یک گفت‌وگوی صمیمانه با پدر و مادر یا حتی دیدن رنج یک انسان، می‌تواند بهترین موعظه باشد؛ اگر اجازه دهیم دل با آن روبه‌رو شود.

مهم‌ترین پیام این فراز این است که مراقب باشیم دل، به شنیدن حقیقت ولی تأثیر نپذیرفتن عادت نکند. انسانی که دیگر هیچ سخن حقی او را تکان نمی‌دهد، بیش از آنکه به اندرزی تازه نیاز داشته باشد، به زنده شدن دلش نیاز دارد.



احکام

تولید نرم افزار و استفاده حرام دیگران

سمانه رضوانی| با گسترش روزافزون فناوری های دیجیتال و نرم افزارهای متنوع، پرسش های شرعی جدیدی در حوزه تولید و عرضه محصولات نرم افزاری، مطرح شده است. یکی از مهم ترین این پرسش ها، تکلیف برنامه نویسی است که نرم افزاری با کاربردهای حلال تولید می‌کند، اما برخی کاربران آن را در مسیرهای حرام استفاده می‌کنند. آیا این تولیدکننده در قبال استفاده های حرام دیگران، مسئولیت شرعی دارد؟ پاسخ این پرسش را از دیدگاه سه تن از مراجع معظم تقلید بررسی می‌کنیم.

آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای:

اگر بدانند در راه حرام استفاده می‌شود، ارائه آن جایز نیست. ولی اگر خدمات ارائه شده و برنامه تولید شده، مورد استفاده افراد مختلف قرار می‌گیرد که بعضی از آن ها استفاده حرام داشته باشند و ارائه دهنده، به قصد استفاده حرام، ارائه نداده باشد، گناهی نکرده است.

آیت‌الله‌العظمی سیستانی:

چنانچه خدمات یا نرم افزار مذکور، مشترک باشد و به قصد استفاده و انتفاع حلال برای کاربران عرضه می‌شود، ولی کاربران از آن استفاده حرام می‌کنند، وُز و وبال و گناه آن برعهده کاربران است و تکلیفی جز امر به معروف و نهی ازمکر با رعایت شرایط آن، برعهده عرضه‌کنندگان خدمات اینترنتی یا پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای نمی‌باشد.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی:

مسئولیت به گردن کسانی است که از آن سوء استفاده می‌کنند.

شکر

شاهینارNEWS.IR
۱۴
↓

مهر

بازخوانی منطق پیروزی از زاویه دید امام سجاد^(ع) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین نخاوی

۷درس راهبردی که نگاه شما را به زندگی تغییر می‌دهد

حسین ابراهیمی در دنیای مدرن که همه چیز با شاخص های کمی و «سنجش های مادی» اندازه‌گیری می‌شود، ما اغلب در تشخیص برنده واقعی دچار خطای محاسباتی می‌شویم. ثروت، قدرت ظاهری و تصرف خاک، خط‌کش هایی هستند که گاهی ما را در تله توهیم پیروزی می‌اندازند یا در اوج موفقیت، طعم تلخ شکست را به خوردمان می‌دهند. حقیقت این است که ما مدام در حال معاوضه «رؤیاهای بزرگ با راحتی های کوچک» هستیم. برای خروج از این تله، باید منطق پیروزی را از زاویه دید امام سجاد^(ع) و راهبرد «جهاد، بازخوانی کنیم؛ جایی که پیروزی نه در بقای تن، بلکه در بقای آرمان تعریف می‌شود. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین نخاوی، کارشناس دینی و سخنران، به هفت درس راهبردی که نگاه شما را به زندگی تغییر می‌دهد، پرداخته‌ایم.

گفت‌وگو

پیروزی، زنده ماندن راه و نه فقط زنده ماندن تن

در محاسبات مادی، کسی پیروز است که تجهیزات بیشتری داشته باشد و در پایان نبرد، نفس بکشد. اما در مکتب الهی، پیروزی یعنی «تحقق هدف». پس از فاجعه کربلا، ابراهیم بن طلحه با ذهنیتی کاملاً مادی از امام سجاد^(ع) پرسید: «بالاخره در این جنگ چه کسی پیروز شد؟» پاسخ امام^(ع)، یک افق راهبردی جدید گشود: «هرگاه وقت نماز فرارسید، اذان و اقامه بگو، آن وقت خواهی فهمید که چه کسی پیروز شده است.»

یزید می‌خواست با قتل عام کربلا، ریشه وحی را بکند و باصراحت سرود که: «نه خبری آمده ونه وحی نازل شده است.» او می‌خواست نام پیامبر^(ص) را دفن کند، اما طعن اذان، ثابت کرد که یزید شکست خورده است. خون کربلا چنان لرزه‌ای به ارکان قدرت او انداخت که او، که قصد داشت کفرش را علنی کند، مجبور شد دوباره به «نقاب نفاق» پناه ببرد و تظاهر به اسلام کند. این بزرگ‌ترین شکست برای یک دیکتاتور است؛ اینکه مجبور شود به راهی که قصد نابودی اش را داشت، تظاهر کند.

چرا هر جنگی، جهاد، نیست؟

تفاوت ماهوی یک جنگ معمولی با جهاد الهی در «نیت» نهفته است. نیت، کیفیایی است که مس یک عمل عادی را به طلای بندگی تبدیل می‌کند. برای هر کنشی، از جمله دفاع از مال و جان، سه سطح نیت وجود دارد:

سطح غریزی: دفاع از قلمرو، مشابه هر موجود زنده دیگر؛
سطح انسانی: دفاع به عنوان یک وظیفه اخلاقی و مدنی؛
سطح الهی: دفاع به این دلیل که «خداوند ذلت را نمی‌پسند د.»

فقط در سطح سوم است که معامله‌ای شکل می‌گیرد که در آن «ضرر» معنا ندارد. در این سطح، «حسابدار» فقط خداست و پاداش به محض نیت صادقانه ثبت می‌شود، حتی اگر غلبه ظاهری حاصل نشود. همچنین باید دانست که جهاد فقط نظامی نیست؛ جهاد مالی، زبانی و فکری برای رسوا کردن ظلم، همگی ذیل این نیت الهی معنا می‌یابند.

دلبستگی های خطرناک اراده ما را سلب می‌کند

خطرناک ترین آفت برای اهداف بزرگ، «عادی شدن» است. دلبستگی های ما به دنیا مانند یک کیسه «کیلویی نیست که سنگینی اش ناگهان ما را هوشیار کند، بلکه مانند «اضافه وزن تدریجی» است که ذره ذره به ما می‌چسبد و با آن انس می‌گیریم.

در روان شناسی جهاد، یک زنجیره خطرناک وجود دارد، توجه، تعلق، وابستگی. دنیای امروز با اعلان های مداوم تلفن همراه و مشغولیت های کوچک، «توجه» ما را می‌رباید تا در نهایت، اراده ما را سلب کند. غرق شدن در روزمرگی سبب می‌شود تفاوت یک «امتحان کلاسی ساده» را با «کنکور سرنوشت ساز زندگی» تشخیص ندهیم و در لحظات حساس که باید بزرگ ترین تصمیم ها را بگیریم، مشغول بازی های کوچک باشیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین نخاوی:

ایمان تنها قدرتی است که محاسبات راهبردی دشمن را به هم می‌زند؛ چون انسانی که به خدا توکل می‌کند، غیرقابل مدیریت، و تزلزل‌ناپذیر، می‌شود

هدف اصلی جبهه مقابل، خاک شما نه، ایمان شما

بسیار ساده لوحانه است اگر تصور کنیم دشمن با هزینه های میلیاردری، صرفاً به دنبال منابع زیرزمینی است. منابع و مرزها، اهداف میانی، هستند. هدف نهایی دشمن، تسخیر قلب و تولید «انسان رام» است، ما موجودی مصرف‌کننده که از دستورات مادی، تبعیت محض می‌کند.

ایمان تنها قدرتی است که محاسبات راهبردی دشمن را به هم می‌زند؛ چون انسانی که به خدا توکل می‌کند، «غیرقابل مدیریت» و تزلزل‌ناپذیر، می‌شود. فرمانده نادیده این نبرد، شیطان است که می‌خواهد با ایجاد یأس، ما را از هویت الهی‌مان تهی کند. اگر ایمان برود، خاک و ثروت خود به خود تقدیم خواهد شد.

وقتی از عدالت علی^(ع) خسته می‌شویم

مردم کوفه در ابتدا یاران درخشان علی^(ع) بودند، اما در صفین دچار «فرسودگی» شدند. آن‌ها زنده ماندن را به ایستادگی بر حق ترجیح دادند و امام را مجبور به «حکمت» کردند. عبرت بزرگ تاریخ اینجاست: کسانی که از هزینه ایستادگی کنار علی^(ع) فرار کردند، به آرامش نرسیدند. آن‌ها گرفتار ذلت «حجاج بن یوسف» شدند که هزاران نفر از آن‌ها را با خواری اعدام کرد. عبدالله بن عمر که حاضر نشد با عدالت علی^(ع) بیعت کند، شبانه و از ترس جان، مجبور شد با «پای حجاج» بیعت کند. (چون حجاج حتی دستش را هم به او نداد). این یعنی هزینه سازش با باطل، همیشه به مراتب سنگین‌تر از هزینه ایستادگی در راه حق است.

تفکیک میان شخصیت حقیقی و حقوقی

گاهی مصلحت، «خیمه جامعه» بر هر جراحت شخصی، مقدم است. امام سجاد^(ع) درحالی که حکومت در دست قاتلان پدرش بود، دعای «مرزداران» را سرود. این یک تحلیل عمیق راهبردی است؛ تفکیک میان «شخصیت حقیقی» حاکم جائر و «شخصیت حقوقی» او به عنوان حافظ امنیت سرزمین اسلام.

شواهد تاریخی، این منطق را تأیید می‌کنند:

امام باقر^(ع): پیشنها در اهبرد ضرب سکه به حاکم وقت برای پایان دادن به اخاذی اقتصادی رومیان و حفظ استقلال مسلمین.

حضرت علی^(ع): ۲۵ سال سکوت و گره‌گشایی از بحران های حکومتی خلفا برای حفظ اصل اسلام؛ این یعنی هیچ‌گاه نباید به پنهان‌گلیه از مشکلات داخلی، مرزهای کشور را به روی طمع بیگانگان باز کرد؛ چراکه امنیت، زیربنای هر نوع اصلاح و رشد است.

بیداری پیش از حسرت

پیروزی واقعی، حفظ سنگر قلب در برابر هجوم یأس، روزمرگی و محاسبات مادی است. واقعه کربلا به ما موخت که حقیقت، قوائد خودش را دارد و برنده کسی است که اجازه ندهد راه حق در وجودش بمیرد. در نبرد امروز نور و ظلمت، یک سؤال اساسی باقی می‌ماند، آیا ما در حال محافظت از سنگر ایمانمان هستیم یا در تله جذاب و تدریجی روزمرگی دفن شده‌ایم؟ پیش از آنکه با حسرت فرصت های نقد نشده روبه‌رو شویم، باید بدانیم که پیروزی همیشه در چندقدمی کسانی است که از «بندگی» خسته نمی‌شوند.

خداوند عجول نیست

در منطق الهی، تمرکز بر «چگونگی» عمل است، نه لزوما «نتیجه سریع». کیفیت عمل، ناشی از «معرفت» و «اخلاص» است، به همین دلیل است که یک ضربه علی^(ع) از عبادت جن وانس، برتر است. فراموش نکنیم که خداوند، عجول نیست. میان دعای موسی^(ع) برای نابودی فرعون تا غرق شدن او در دریا، چهار سال فاصله افتاد. این وقفه برای آن بود که سنت امتحان، کامل شود و استعداد های انسان ها شکوفا، ما مأموریم خشت های زندگی را با دقت روی هم بگذاریم؛ اینکه سقف چه زمانی کامل می‌شود، در دست معمار بزرگ هستی است.

ولایت؛ بستر تداوم انقلاب تا افق ظهور

ما در چند دهه گذشته، بر سر سفره آموزشی و فرهنگی امام شهیدمان نشستیم، اما این سفره، سفره‌ای نیست که زمان جمع‌شدن آن فرارسیده باشد. این سفره همچنان گسترده است تا به تحقق جامعه مهدوی متصل شود و به دولت کریمه امام عصر^(ع) پیوند بخورد. اگرچه ما در داغ امام شهیدمان هستیم و سنگینی این داغ، بی‌تردید جان و روح ما را فرسوده می‌کند، هرگز ما را از ادامه مسیر ناامید نخواهد ساخت و به پایان راه، که خواسته دشمن است، نزدیک نخواهد کرد. این‌اندوه، از جنس اندوهی حماسی است، شبیه پیری برخاسته از عزای سیدالشهدا^(ع)، پیری برخاستن، پایداری و حماسه. از همین رو پس از امام شهید، خداوند بار



حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل طباطبایی| نماینده مجلس خبره